

فن‌آوری‌های اطلاعاتی، اعتماد و تغییر

اجتماعی در جهان عرب

مأمون فاندی*

ترجمه: سیدرضا نقبائی

منابع شفاهی اطلاعات، نسبت به منابع مکتوب ارزش و اعتبار بیشتری دارد. با چنین ذهنیتی، این مقاله تأثیر رسانه‌های نوین را در این منطقه مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد.

ظهور اینترنت و رشد سریع آن‌تن‌های ماهواره بر بام خانه‌های عربی، در غرب به عنوان نشانه‌هایی از عقب‌نشینی حاکمیت عرب، پیدایش جامعه مدنی، ظهور سپهر اجتماعی و شاید طلیعه سیاست‌های جدید و تازه می‌باشد.^۱ علاوه بر گسترش وسایل مدرن ارتباطی و تأثیر آنها بر سیاست‌های عرب مسئله مهم دیگر، عدم انطباق این گفته‌ها و اظهارات با واقعیت‌های سیاسی عرب و جوامع عربی

ارزیابی‌های غربی، اغلب بر این فرض استوارند که پیدایش پخش تلویزیون ماهواره‌ای، اینترنت و سایر رسانه‌های نوین در خاورمیانه، سیاست و واقعیت اجتماعی این منطقه را دچار تحولی بنیانی خواهد کرد. چنین پیش‌بینی‌هایی نقش کنترل سنتی حاکمیت بر رسانه‌های اطلاعاتی را نادیده می‌گیرد. در جوامع خاورمیانه، وسایل غیررسمی و شفاهی ارتباطی در مساجد و قهوه‌خانه‌ها نقش مهمی در جلب اعتماد به عهده دارند. از آنجا که اعتبار سنت‌های پیامبر اسلام (ص) با سیستمی از اسناد، یا زنجیره انتقال پیام‌ها (حدیث) پشتیبانی می‌شود، به همان‌گونه، امروزه نیز در خاورمیانه

است. این مقاله پاسخی است به مسأله‌ای آشکار در محدوده ارتباطات سیاسی، رسانه‌های مدرن، و تأثیر آنها بر جهان عرب.

اگر دولت‌های عربی را در نظر بگیریم، هرگز از این موضوع غافل نمی‌شویم که اکثر این دولت‌ها تقریباً تمامی وسایل ارتباط جمعی از قبیل مطبوعات، رادیو و تلویزیون را در کنترل خود دارند. بنابراین پیش‌بینی می‌شود که زبان این رسانه‌های دولتی، بر زبان سیاسی جهان عرب غالب باشد. اکنون زبان غالب جوامع عرب، حداقل در دو دهه گذشته، زبان گروه‌های مخالف و اسلام‌گرایان بوده است، یا حداقل نمادهای اسلامی در آن نقش داشته‌اند. اگر چه دولت‌ها، دسترسی این دو گروه را به رسانه‌های گوناگون محدود و حتی ممنوع ساخته‌اند، ولی هنوز گفتمان غالب آنها در جامعه جریان دارد. بدین‌سان، قبل از این‌که پیوند میان پخش دولتی، وسایل مدرن ارتباطی، و تغییر سیاسی در جهان عرب بیان شود، باید به سوالات زیر پاسخ داد.

* چرا با وجود این که اسلام‌گرایان و تضادگرایان به وسایل مدرن ارتباطی هیچ‌گونه دسترسی ندارند، گفتمان آنها غالب است؟

* چرا در شرایطی که وسایل ارتباط جمعی و سایر وسایل کنترل اجتماعی در دسترس نخبگان جامعه قرار دارد، گفتمان دولتی مطرح و غالب نمی‌شود؟

* چرا هژمونی حاکمیت عرب، سست و ضعیف است؟

* رابطه بین ارتباطات و اعتماد چیست؟

قبل از این که به سوالات بالا پاسخ داده شود، خوب است به توضیح فرضیاتی پرداخته شود که رسانه‌های مدرن را به تغییر اجتماعی - سیاسی جهان عرب در حیطه‌های نظری و تجربی پیوند

می‌دهد.

مورخان اقتصادی و جامعه‌شناسان کلان، رابطه میان تغییرات فن‌آورانه و باز بودن نظم سیاسی یا رشد اقتصادی را در جای دیگر بیان کرده‌اند. برای پاسخگویی به رابطه میان فضای باز و فن‌آوری‌های نوین، از یک دیدگاه جامعه‌شناختی، جیمز بنیگر معتقد است که انقلاب اطلاعات به عنوان پاسخی به بحران‌های کنترل که نتیجه جریان‌ات عظیم اطلاعاتی و کالایی بوده و با انقلاب صنعتی همراه بوده، پدیدار شده است.^۲ از این‌رو، مسأله ازدحام جابه‌جایی کالا، اطلاعات، و پردازش آنها، وسایل نوین کنترل را نیز می‌طلبد. او در ادامه می‌افزاید به این علت است که ما شاهد ابداعاتی مانند تلگراف، تلفن، خطوط مونتاز و مدیریت علمی هستیم. نتایج نظریه بنیگر با فرضیه‌های تئوری رسانه و تئوری نوسازی مغایرت دارد. اما گفته دیگری که همبستگی مستقیم میان رشد فن‌آوری و اقتصادی را به چالش فراخوانده است، از اندیشه‌های روبرت فوگل اندیشمند رشته تاریخ اقتصاد ایالات متحده نشأت گرفته است. وی در کتاب خود *راه‌آهن و رشد اقتصادی آمریکا* نوشته است: «با وجود رشد سریع و قابل توجه آن در یک دوره ۵۰ ساله... راه‌آهن کمک چندانی به پتانسیل تولیدی اقتصادی نکرده است.»^۳ عقاید فوگل بسیار اهمیت داشته و مباحث و جنجال‌های بسیاری را میان موافقان و مخالفان وی به وجود آورده است. چالش فوگل به‌خاطر ایجاد پیوند میان نظریه‌پردازان توسعه اقتصادی و تغییر سیاسی هنوز هم مورد توجه خاصی قرار دارد. اغلب داده‌ها و تجزیه و تحلیل‌های اخیر چین برخاسته از چنین دیدگاهی است.

دانیل لینچ معتقد است، تحقیقات و بررسی‌های دقیق در مورد چین، نشان می‌دهد که باز بودن فضای اجتماعی نتیجه

ترکیب اصلاح حقوق مالکیت و تقسیم اجرایی است، در حالی که نقش فن‌آوری اطلاعات بسیار محدود است.^۴ او معتقد است که باید میان سپهر اجتماعی در یک نظام اقتدارگرا، و نظام دموکراسی لیبرال تفاوت قائل شد، آن‌گونه که به دیدگاه مقاله حاضر نیز نزدیک است. در یک گستره اقتدارگرا، سپهر اجتماعی مجال مناسبی برای پاسخگویی یا انتقاد نیست، در حالی که در یک گستره دموکراسی لیبرال امکانات گسترده‌ای بدین‌منظور وجود دارد. سپهر اجتماعی ساختار خاصی دارد؛ قواعد بازی تحمیل شدنی و قابل تغییر است.

پاسخگویی به پایه‌های نظری مبحث جاری

بدون توجه به گوناگونی نتایج، بحث در مورد جهانی‌سازی، رشد اینترنت، رسانه‌های نوین، و مفهوم آنها برای سیاست‌های عرب، - بدون دید نقادانه - کلیشه‌ها و قالب‌های قدیمی‌نوسازی و ادبیات توسعه را در برمی‌گیرد. از این‌رو، برخی از محققان درستی و صحت تجزیه و تحلیل را به نفع این اغراق جدید رد کرده، و اظهار می‌دارند که میان رسانه‌های نوین و ظهور سپهر اجتماعی و جامعه مدنی در جهان عرب همبستگی وجود دارد.^۵ فرضیه قابل توجه این بررسی‌ها، البته با در نظر گرفتن استثنائاتی، این است که انتشار و گسترش وسایل نوین ارتباطی مانند ماشین فاکس، تلفن سلولی، آنتن ماهواره، و در نهایت اینترنت، نظم اقتدارگرایانه عرب را بر هم می‌زند. زیربنای فکری این مباحث حداقل به لحاظ جنبه‌های ارتباطی می‌تواند «تئوری رسانه‌ای مارشال مک لوهان» باشد که معتقد است تغییر در وسایل ارتباطی در مسیر منحنی تکامل و تغییر اجتماعی تأثیر خواهد داشت.^۶ اما در حیطه علوم سیاسی به‌طور اعم، و در مطالعات

خاورمیانه به‌طور اخص، بنیانگذاران اندیشمند این مباحث، به ترتیب ساموئل هانتینگتون و دانیل لرنر می‌باشند.^۷

مطالعه رسانه‌های نوین و اثرات آنها در جهان عرب که یک روش معمول است، نباید ما را از جست‌وجوی قوی‌تر تجزیه و تحلیلی و مطالعه حدود و میزان دورنمای میان رشته‌ای منصرف سازد. جبرگرایی فن‌آورانه، همیشه جذاب و فریبنده است، به این معنی که تاریخ بشر، تاریخ فن‌آوری است. به‌رحال، این مورد تنها می‌تواند ما را به گذشته دور ببرد. برخی محققان قبلاً در مورد انقلاب تکنولوژیکی ارتباطات، شروع به کمی کردن آن کردند، که به‌طور آماری نه کافی می‌باشد، و نه بر عرصه ساختارهای ارتباطی مانند نرخ رشد اینترنت یا تعداد فزاینده ایستگاه‌های تلویزیون ماهواره‌ای قابل دسترسی در جهان عرب متمرکز می‌باشد و البته این امر در سطح جمع‌آوری داده‌ها مفید است. به‌رحال این مسأله هم نباید با کل مقوله اشتباه گرفته شود. داده‌ها هم در حیطه جمع‌آوری و هم در زمینه بیان و تفسیر، نیازمند گستره می‌باشند، مگر این که فرض کنیم مردم منطقه و فرهنگ آنها اهمیت ندارند. در تشخیص این تغییر شکل‌های سریع، برخی از محققان به این نتیجه رسیده‌اند که انقلاب ارتباطات بیانگر عرصه فضای سیاسی است. دو فرضیه در مباحث این محققان وجود دارد.

نخست این که استمرار حیات (نظام) اقتدارگرایی نتیجه وجود شهروند ناآگاه می‌باشد، و دسترسی به اطلاعات سبب آگاهی مردم مظلوم عرب خواهد شد. دوم این که این نوع تجزیه و تحلیل منحصرأدر ساختار ارتباطات متمرکز است و محتوا را توصیف نمی‌کند؛ یا این محتوا را با گستره وسیع‌تر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مرتبط نمی‌سازد. اگرچه دنیای عرب شاهد ظهور ناگهانی رسانه‌های نوین بوده است،

زمانی که رادیو، چه به شکل مالکیت دولتی یا خصوصی آن، برای اولین بار در جهان عرب معرفی شد، بسیاری از مردم در قهوه‌خانه‌های محلی صدای آن را می‌شنیدند. همچنین در این مکان‌ها بود که تلویزیون، ویدئو و تلویزیون‌های ماهواره‌ای به عرب‌ها عرضه شد.

اکنون افراد بسیاری، فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی جهان عرب را مطالعه و بررسی و در مورد کافه‌های اینترنتی بحث می‌کنند. محور اصلی تحقیقات آنها تنها دسترسی به فن‌آوری است. اگرچه مطالعات زیادی در مورد دسترسی به این وسایل نوین ارتباطی صورت گرفته، ولی تعداد کمی از این مطالعات به ساختار زیربنایی اجتماعی کافه‌ها که این مکان‌ها را به صورت سایت‌های ارتباطات جمعی در آورده، اشاره داشته‌اند. در خصوص دیدگاه جمعی و مشترک در جهان عرب، چه چیزی اهمیت دارد؟ و چگونه این دیدگاه با اینترنت و سایر فن‌آوری‌های نوین ارتباطی، رابطه برقرار می‌کند؟

به‌طور کلی، اگر فردی انتقاد مران نسبت به ادبیات نوظهوری که فن‌آوری‌های نوین ارتباطی را با اقتدار و اختیار جامعه مدنی و پیدایش فضای اجتماعی مرتبط می‌سازد، به عنوان بخشی از گفتمان ضدجهانی سازی طبقه‌بندی کند ممکن است از دیدگاه مورد بحث دور شود. ولی باید بگویم که من تصور متفاوتی دربارهٔ جهانی سازی دارم. جهانی سازی پیامد نوسازی و نوگرایی است. قرار دادن آن در این گستره، مفهوم فن‌آوری‌های قدیمی و نوین اطلاعاتی را روشن می‌سازد و درک و مفهوم آن را برای جوامع عرب آسان می‌کند. یکی از پیامدهای مهم نوسازی، از میان رفتن فاصله مکانی و زمانی است. از زمانی که نوسازی سرعت کارها را بیشتر کرده است، فضا کوچک و محدود شده است،^۸ تعامل چهره به چهره جای خود را با تعامل بدون چهره عوض کرده است.

■ در جوامع خاورمیانه، وسایل غیررسمی و شفاهی ارتباطی در مساجد و قهوه‌خانه‌ها نقش مهمی در جلب اعتماد به عهده دارند.

■ امروزه در خاورمیانه منابع شفاهی اطلاعات، نسبت به منابع مکتوب ارزش و اعتبار بیشتری دارد.

■ اکثر دولت‌های عربی تقریباً تمامی وسایل ارتباط جمعی از قبیل مطبوعات، رادیو و تلویزیون را در کنترل خود دارند.

■ زبان غالب جوامع عرب، حداقل در دو دهه گذشته، زبان گروه‌های مخالف و اسلام‌گرایان بوده است، یا حداقل نمادهای اسلامی در آن نقش داشته‌اند.

(خاصی) روبه‌رو نمی‌شویم، مشکل اساسی زمانی به‌وجود می‌آید که وسایل با فرایند انعکاس تصاویر ساختارهای غربی که همراه با کارکردهای خاص خود می‌باشد، اشتباه گرفته شود: یعنی به عبارت دیگر، تنها آنچه را که آشناسنت بینیم و داده‌ها را براساس این آشنایی انتخاب کنیم. دلیل عمدهٔ جانیافتادن دیگر اشکال، جانبداری خارجی از آنها به عنوان وسایل مدرن ارتباطی است. برای مثال، آن اشکالی که حوزه مکتوب را بر حوزه شفاهی، یا عربی استاندارد را بر زبان محلی برتری می‌دهد، در دنیای عربی که عمدتاً در حیطه بی‌سواد، ارتباطات شفاهی، و گرایش‌های محلی قرار دارند، قادر به ریشه دواندن نیست.

محور اصلی بسیاری از تحقیقات محققان در زمان بررسی و مطالعه ارتباطات و فن‌آوری در جهان عرب، تنها بر فن‌آوری متمرکز است و تاریخ، فرهنگ، جوامع، و ابعاد انسانی جهان عرب را نادیده می‌گیرند. تاکنون بررسی‌های اندکی در خصوص تأثیر یا خلُق و خوی مشارکت‌کنندگان، یا تعاملات آنها با اشکال جدید رسانه‌ای، صورت پذیرفته است. با وجود این برخی از این بررسی‌ها دربارهٔ شیوهٔ به‌کارگیری اشکال جدید رسانه‌ای توسط افراد در جهان عرب، سخن گفته‌اند. برای مثال، از

ولی این تغییر شکل در یک گستره خاصی که دارای ظرفیت جذب و تطبیق با این پیشرفت‌های نوین باشد، به‌وقوع پیوسته است. اکنون به مقایسه تغییر اجتماعی در جوامع عرب که به نوسازی سریع و القانات تکنولوژیکی (دول خلیج‌فارس) دست یافته‌اند و کشورهایی که القاء تکنولوژیکی آنها کمتر می‌باشد (سودان و یمن) می‌پردازیم.

اگر نهادهای جدید و قدیم ارتباط سیاسی را تجزیه و تحلیل کنیم می‌توان به این سؤالات پاسخ داد. بحث اصلی این است که فقدان دیرینهٔ وسایل مدرن و پست مدرن در جهان عرب، با موضوعات وسیع‌تر ارتباطات و اعتماد مرتبط است. هم‌اکنون مایلیم به این مبحث پردازیم که ساختارهای جدید، وسایل و فرایند نوسازی، به ویژه در زمینه‌های رسانه‌ای، معمولاً در گستره محلی و منطقه‌ای رشد یافته است. گروهی از فن‌آوری‌ها ممکن است به سادگی از سوی اجتماع پذیرفته شود، و یا حداقل در بخش‌های معینی از اجتماع گسترش یابد. مناطقی وجود دارد که ممکن است وسیله عمده ارتباطی آن رادیو باشد، در حالی که در مناطق دیگر یک جامعه، تلویزیون وسیله اصلی تلقی شود، و حتی ممکن است هنوز در نقاط دیگر، وسیله غیرمدرن، مؤثرترین وسیله ارتباطی محسوب شود. تا اینجا با مشکل

بنابراین بسیاری از رابطه‌های اجتماعی، خارج از گستره محلی‌شان صورت گرفته و در یک گستره نوین جهانی قرار می‌گیرند. زمانی که حادثه‌ای از طریق تلویزیون مشاهده می‌کنیم، انگار از نزدیک شاهد آن واقعه بوده‌ایم. آن‌گاه آن رویداد را طبق چارچوب استنباطی خاص خود، یا چارچوب شکل یافته از دوربین‌ها و گزارشگران، توصیف می‌کنیم و یقین داریم هر آنچه را تماشا می‌کنیم عین واقعیت است. ولی باید گفت که مفهوم اعتماد و اطمینان در جامعه مدرن با مفهوم اعتماد در جامعه قبل مدرن متفاوت است. از آنجایی که مسأله اصلی بحث من رسانه‌ها و اعتماد به آنها در گستره جهان عرب می‌باشد، با این اوضاع و احوال، لازم می‌بینم که در مورد مفهوم فرضیات «تئوری مدرنیزه کردن» و «تئوری رسانه» برای رسیدن به درک درستی از «اعتماد» بحث کنم.

ارتباطات و اعتماد

ناتوانی حاکمیت عرب در برقراری ارتباط با جامعه بزرگ‌تر، و ناتوانی این حاکمیت در پایه‌ریزی هژمونی با استفاده از وسایل مدرن ارتباط جمعی، به دلیل نداشتن تصور درستی از ارتباطات و اعتماد است. شواهد گوناگونی در این زمینه وجود دارد. میان جوامع عربی و رسانه‌های دولتی، رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد وجود ندارد و هیچ‌گونه تلاشی از سوی این رسانه‌ها برای بازگرداندن اعتماد از دست رفته صورت نمی‌گیرد. به عنوان مثال در سال ۱۹۶۷ که تمامی روزنامه‌ها، رادیوها و تلویزیون‌های کشورهای عربی، از گوینده رادیو مصر «احمد سعید» پیروی می‌کردند، وی از طریق رادیو به مردم عرب اعلام می‌کند که نظامیان عرب مواضع ارتش اسرائیل را در هم کوبیده‌اند و هواپیماهای اسرائیلی یکی از پس دیگری در آسمان مورد پدافند هوایی قرار

می‌گیرند. اما زمانی نگذشت که عرب‌ها واقعیات تلخ را از منابع خارجی مانند بنگاه پخش بریتانیا (BBC) شنیدند. از این‌رو، اعتماد خود را نسبت به اعلامیه‌ها و اخبار رسمی رادیو، مطبوعات یا تلویزیون از دست دادند.

منظور از اعتماد این است که اطمینان و اتکای مردم به یک فرد یا نهاد به واقعیت می‌پیوندد. ولی معنای اعتماد و اعتقاد به درستی و نادرستی، از یک جامعه به جامعه دیگر فرق می‌کند.^۱ اعتماد در جوامع «جوامع سنتی» بر تعامل چهره به چهره و سیستم خاصی از صحت استوار است،^۲ ولی زمانی که روابط پیچیده‌تر شود و مردم از یک نقطه جهان به نقطه دیگر جهان نقل مکان کنند، سیستم‌های صحت و اعتماد چهره به چهره توسط نهادها و دیگر ساختارها جابه‌جا می‌شوند. پایه‌های اعتماد مدرن بر سیستم‌های کارشناسی استوار است، یعنی تعامل چهره به چهره جای خود را به تعامل بدون چهره می‌دهد. اعتماد استوار بر سیستم کارشناسی، سبب می‌شود در ما این اطمینان پدید آید که تا زمانی که از بروشور نگهداری اتومبیل خودمان استفاده می‌کنیم، خودروی ما خراب نخواهد شد. این نوعی اعتماد است که حتی مخالفان ایالات متحده را نیز به نوعی به دلار آمریکایی معتقد ساخته و نهادهای متعهد دولت ایالات متحده نیز این نوع مبادله را ضمانت کرده‌اند.

بسیاری از نظریه‌پردازان نوسازی که به تمایز و تفاوت آشکار میان جوامع سنتی و غربی معتقدند این نوع اعتماد را «اعتماد مدرن» می‌نامند که البته در سیستم سنتی جهان عرب کارایی ندارد.

شواهد روزمره در زمینه‌های گوناگون حاکی از آن است که جهان عرب پیچیده‌تر از آن است که بتوان در نگاه اول آن را درک کرد. سیستم‌های اعتماد عرب برگزیده، متفاوت و پیچیده‌اند. عرب‌ها اطمینان

دارند که تلویزیون‌ها به کار خود ادامه خواهند داد، ولی به پیام‌هایی که از آنها پخش می‌شود، اعتماد کمی دارند. در مورد امور مالی نیز، بسیاری از عرب‌ها به آن دسته از مؤسسات مالی اعتماد می‌کنند که در خارج از مرزهای ملی این کشورها وجود دارند. در غرب، یک سند مکتوب معتبرتر از یک منبع شفاهی است. اما در جهان عرب منابع شفاهی معتبرند. فرقی نمی‌کند فرد در یک جامعه مدرن زندگی کند یا در یک جامعه سنتی به هر حال اعتماد به عوامل مختلفی چون ملازمت خاص خود را، محیط زبانشناختی، شناخت عمیق، نمادها و تقابل مشترک بستگی دارد. ارتباطات معتبر در جهان عرب، یک مدل محلی به عنوان اسناد استفاده می‌کند. البته این نوع اسناد، مشابه همان روش انتقال کلام پیامبر اسلام (ص) به‌طور شفاهی است، یعنی وسیله‌ای برای انتقال بیانات موثق که نه تنها مرجعی برای اطلاعات (حدیث)، بلکه دربردارنده نام نقل‌کنندگان آن نیز هست. اعتبار این اطلاعات متکی به زنجیره موثق و دقیق افرادی است که بیانات پیامبر اسلام (ص) را ارائه داده‌اند.^۳ اگر چه این مدل در حوزه مذهب برتری دارد اما برای ایجاد اعتماد در یک جامعه بزرگ‌تر نیز کارایی دارد. از سوی دیگر اعتماد به اطلاعاتی که از دوردست می‌رسند، به درستی و صحت آن بستگی دارد. البته در این میان استعداد تشخیص اخبار درست را از اطلاعات غلط نباید نادیده گرفت.

عرب‌ها در زمان‌های مختلف دچار اشتباهات بسیاری شده‌اند، بنابراین اکنون آموخته‌اند که چگونه با آرامش خاطر و اعتماد، اطلاعات مطلوب خود را برگزینند. این گزینش با توجه به اطلاعاتی که از طریق مطبوعات، رادیو، تلویزیون یا اینترنت به دست می‌آید، صورت می‌گیرد و آنها این‌گونه کارهای روزانه خود را برنامه‌ریزی می‌کنند.

تکنولوژی اطلاعات و تغییرسیاسی: سه مورد از دنیای عرب

به استثناء بعضی از نویسندگان مانند ویلیام روف که پیرامون مطبوعات، بررسی‌های جامعی انجام داده‌اند، درباره رادیو و تلویزیون و تأثیرات آن در جهان عرب، تجزیه و تحلیل‌های «کمی ارائه» شده است.^{۱۲} جدیدترین کتاب داگلاس بوید، در مورد رسانه‌های دنیای عرب منبع تحقیقی بسیار مناسبی است، اما مطالب تحلیلی آن کمتر است.^{۱۳} از آنجا که رسانه‌های قدیم و بازتابشان هنوز به خوبی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار نگرفته‌اند، ارزیابی رسانه‌های نوین دشوارتر به نظر می‌رسد. با پیش کشیدن بحث درباره سه نمونه از رسانه‌های دنیای عرب، عربستان سعودی، قطر، مصر، بنا دارم با ارائه نظریه‌ها و توصیه‌های جدی موجود، نقش رسانه‌های نوین و توان آنها در تغییر شکل جوامع غربی را بررسی کنم. البته باید یادآوری کنم که محور بحث این مقاله، رابطه میان وسایل اطلاعاتی و اعتماد در دنیای عرب است.

عربستان سعودی: گروه مخالف، ماشین فاکس و اینترنت

در هیچ جای دنیای عرب، توان دسترسی به فن‌آوری‌های نوین، مانند منطقه خلیج فارس نیست. یکی از عمده‌ترین این کشورها که در حیطة فن‌آوری‌های نوین سرمایه‌گذاری عظیمی کرده کشور عربستان سعودی است. داده‌های جمع‌آوری شده از کشورهای خلیج فارس در طول سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۷، به رشد فزاینده و قابل توجه تعداد کاربران اینترنت اشاره می‌کند. برای مثال در سال ۱۹۹۵، میزان کاربران اینترنت در کشور بحرین صفر بوده است، در حالی که در سال ۱۹۹۶ به ۱۴۲، و در سال ۱۹۹۷ به ۸۴۱ کاربر افزایش یافت. بدین‌سان از سال ۱۹۹۶ تا سال ۱۹۹۷ در این کشور

شاهد رشد ۴۹۲ درصدی، بوده‌ایم. در امارات متحده عربی، رشد استفاده از اینترنت در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷، ۳۹/۳ درصد بوده است.^{۱۴} اگر چه بسیاری از افراد و کاربران نسبت به فهرست‌بندی کردن داده‌ها، احساس نگرانی می‌کرده‌اند، ولی اگر فرد به عمق معنای این مسأله پی‌ببرد، تنظیم و قرارداد این داده‌ها در یک گستره صحیح و دقیق، کاری بسیار مهم است. بدین‌سان، بررسی «مورد»

(CDLR) - در آغاز استفاده جالب توجه‌ای از رسانه‌های نوین می‌کرد:

الف: اطلاعاتی‌های خود را از طریق فاکس به ۶۰۰ عضو این سازمان در کشور عربستان می‌فرستاد؛

ب: خط ارتباطی تلفنی رایگان را برای ارتباط با دفاتر لندن برقرار ساخت؛

ج: صفحه اینترنتی مفیدی، برای خود تهیه کرد.^{۱۶} ولی در چند سال گذشته، گروه مخالف - که فرض می‌شده با استفاده از

■ میان جوامع عربی و رسانه‌های دولتی، رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد وجود ندارد و هیچ‌گونه تلاشی از سوی این رسانه‌ها برای بازگرداندن اعتماد از دست رفته صورت نمی‌گیرد.

■ محور اصلی بسیاری از تحقیقات محققان در زمان بررسی و مطالعه ارتباطات و فن‌آوری در جهان عرب، تنها بر فن‌آوری متمرکز است و تاریخ، فرهنگ، جوامع، و ابعاد انسانی جهان عرب را نادیده می‌گیرند.

فن‌آوری ارتباطات نوین، از پتانسیل براندازی نظام سعودی بیشترین سود را می‌برده است - به‌طور عجیبی، اعتبار خود را در داخل کشور سعودی از دست داد. در پیدایش این امر، دلایل مختلفی دست داشته است. در سال ۱۹۹۶، میان رهبر CDLR محمد المساری و رئیس دفتر لندن این سازمان سعد الفقیه اختلاف عظیمی بوجود آمد. سعد الفقیه، پیمان خود را با CDLR لغو کرد و خود یک گروه رقیب جدید موسوم به «جنبش اصلاحات اسلامی عرب» MIRA پایه‌ریزی کرد. این شکاف و اختلاف سبب شد تا میان حامیان و هواداران محلی در مورد حمایت از دولت سعودی آشفتگی و اختلاف نظر به‌وجود آید.^{۱۷} همچنین طی یک بررسی و تحقیق در کشور سعودی دریافتیم تقریباً تمامی سعودی‌ها محبوبیت فاکس‌های CDLR را که در اواسط دهه ۱۹۹۰ از قواعد تازه و بدیع سود می‌بردند، پذیرفته‌اند. اما نتیجه‌گیری

کشور عربستان سعودی تحقیقی آموزنده و علمی بوده، و ممکن است به خواننده در مورد چگونگی استفاده از فن‌آوری‌های نوین، زمان از دست دادن یا به دست آوردن اعتماد مخاطبان پیام، اطلاعاتی ارائه دهد.

از زمان معرفی ماشین فاکس و اینترنت و استفاده از آنها توسط گروه مخالف سعودی، پیش‌بینی‌ها در مورد زوال تدریجی دولت سعودی، در رسانه‌های غربی و جوامع علمی و انتقادی غرب، پدیدار شد. برخی بر این فرض بودند که نظم سیاسی پادشاهی سعودی در حال نابودی است. به همین علت تنها چندماه پس از کلیک کردن موشواره‌ها یا انتشار اسناد در داخل کشور توسط ماشین فاکس این نظم در هم شکسته خواهد شد.^{۱۵}

گروه مخالف دولت سعودی در خارج از کشور - در وهله اول کمیته مستقر در لندن برای دفاع از حقوق مشروع

نشان داد که به تدریج فاکس‌ها جذابیت کاریزماتیک خود را از دست دادند و به یک نوشته معمولی و حتی متون شایعه‌ساز تبدیل شدند. ناتوانی مردم محلی در تأیید برخی از مقوله‌های خبری آن هم از طریق مکانیزم «اسنادی» مربوط به خود (تحقیق خویشاوندان و دوستان معتمد که درون سیستم مقوله‌های خبری گزارش شده کار می‌کردند) سبب شد پایه‌های اعتماد اطمینان مردم به تدریج سست شود.

از این گذشته، در حاشیه قرار گرفتن پیام، یا فرسایش اعتماد گروه مخالف دولت سعودی در لندن برخلاف مورد بالا، از عملکرد رقبای خارجی این گروه یعنی رسانه‌های غربی، که تقریباً برای همان مخاطبان، البته با منابع رسانه‌ای موثق‌تر و مجرب‌تر کار می‌کردند مانند شبکه BBC با پخش برنامه و ارائه اطلاعات درست به مخاطبان خود ریشه می‌گیرد. از آنجا که گروه مخالف مستقر در لندن تنها از متن و نوشته به عنوان اولین ابزار ارتباطی مقاومت استفاده می‌کردند، پیام رسانه‌ای از سوی این گروه تنها به کسانی می‌رسید که آن را مطالعه می‌کردند. بنابراین می‌توان گفت مخاطبان پیام‌های گروه مخالف دولت، قشر خاصی هستند اطلاعات این گروه از طریق سایت‌های اینترنتی یا پست الکترونیک تنها در دسترسی افرادی قرار می‌گرفت که یا دارای تحصیلات کامپیوتری بودند و یا زبان انگلیسی می‌دانستند.

درباره جنبه تکنولوژیکی دولت سعودی باید گفت؛ بخش‌های پیشرفته و تحصیل‌کرده جامعه سعودی، به‌خاطر دسترسی آسان به منابع اطلاعاتی و ابزارهای تکنولوژیکی، در جامعه از موقعیت ممتازی برخوردار بوده و هیچ گله و شکایتی ندارند. این دسته از افراد، در ابتدا و در سال‌های قبل، به‌طور آزادانه از صدای BBC و صدای آمریکا VOA در

کشور استفاده می‌کردند و هنگام عزیمت به خارج از کشور، روزنامه‌های انگلیسی زبان را می‌خواندند. اما با پیدایش آنت‌های ماهواره، این افراد و بخش انگلیسی زبان جامعه سعودی می‌توانند از منابع خبری خارجی مانند شبکه‌های تلویزیونی BBC و CNN استفاده کنند، و حتی از سایر منابع اینترنتی با وجود بولتن‌های خبری و صفحات اول کامپیوتری CDLR یا MIRA بی‌نیاز باشند.

از جمله مسائل عمده گروه مخالف دولت سعودی در لندن، مسأله اطلاعات و اعتماد است. در سوم مارس سال ۱۹۹۸، گروه مخالف دولت در سایت اینترنتی خود اعلام داشت که فهد پادشاه عربستان از دنیا رفته است و خانواده سلطنتی تا انتخاب جانشین، امور سلطنتی را اداره می‌کند.^{۱۸} در این مدت علاوه بر مشکل اعتماد، این گروه و پیام‌های آنها با حوزه عمده شفاهی جامعه هیچ‌گونه ارتباط و تعاملی برقرار نمی‌کرده است. در این حوزه باید با نوارهای کاست، برقراری مراسم در مساجد محلی و ارتباطات چهره به چهره با افراد رابطه برقرار کرد.

حال ممکن است در وهله اول همه گمان کنند واکنش دولت سعودی نسبت به این گروه، استفاده از فاکس و اینترنت بوده است. اما این‌گونه نیست، تلاش عمده دولت برای مقابله با گروه مخالف بر معیارها و شیوه‌های قدیمی همچون پخش نوارهای کاست و برپایی مراسم مساجد استوار بوده است. معمولاً بسیاری از مردم مایلند به جای خواندن یک متن به محتوای نوار گوش دهند و این به استفاده آسان از نوار برمی‌گردد که می‌توان آن را حتی هنگام رانندگی گوش داد. اما داشتن ماشین فاکس برای همه ممکن نیست و استفاده از آن در عربستان در مقایسه با خطوط تلفن بسیار محدود است. ماشین‌های فاکس تنها در حوزه متون و

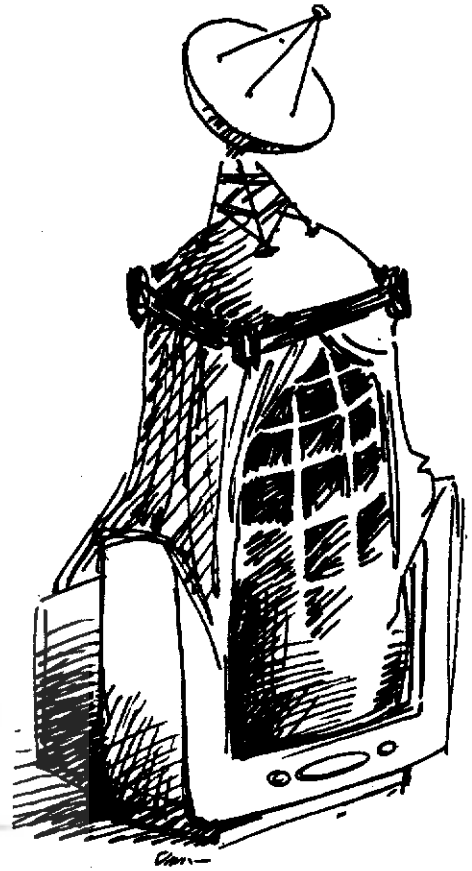
نوشته‌ها قرار می‌گیرد و به همین دلیل نهادهای رسمی جامعه مانند مؤسسات دولتی و تجاری که با دولت در ارتباط هستند یا روابط بین‌المللی دارند، از آن استفاده می‌کنند. بنابراین، مشخصات ذاتی هر نوع فن‌آوری کارآیی و میزان استفاده از آن را تعیین می‌کند و گاهی نیز توان این فن‌آوری را در کسب اعتماد محدود می‌سازد.

ناکامی سایت اینترنتی گروه مخالف از آنجا نشأت می‌گیرد که سایت این گروه در ایجاد ارتباط و پیوند رسانه‌های گوناگون به‌طور همزمان و در حیطه کلامی و متنی مشترک ناتوان بوده است. البته اکنون کامپیوترهایی که کارکرد صوتی دارند می‌توانند به‌طور همزمان از صوت و متن برای برقراری ارتباط کمک بگیرند.

اما این نکته را هم باید در نظر داشت که اگر مردم از کامپیوتر برای ارتباطات دوردست استفاده کنند، بسیاری از دولت‌های عربی درآمدهای خود را از دست خواهند داد. و این می‌تواند مثال خوبی باشد برای نشان دادن تنش میان دولت و منافع فردی در ارزیابی مزیت‌ها و مخاطرات این فن‌آوری‌های نوین (هم برای دولت و هم برای اجتماع).

قطر: کانال ماهواره‌ای الجزیره

کانال الجزیره قطر، برای محققان رسانه‌ای که در جست‌وجوی یک مقوله رسانه‌ای خاص عربی هستند، مورد مهم است، زیرا این شبکه تقریباً تمامی شکل‌های مشترکی را که می‌توان آنها را در رسانه‌های غربی مشاهده کرد، دارا می‌باشد. طرح و ارائه برنامه‌هایی به شکل مباحثه و مناظره از سوی این شبکه، مانند برنامه‌های آمریکایی "Cross Fire" به این معنا نیست که در جهان عرب، آزادی بیان کاملاً به رسمیت شناخته می‌شود. مشاهده صندوق آرا و رأی‌گیری نیز در این منطقه حاکی از شکل‌گیری حکومت‌های



دمکراسی نیست. در اینجا تفکرات فرهنگی غلط زمینه‌ساز بروز مسائل جدی شده است. از این رو، بررسی و مشاهده چگونگی فعل و انفعالات محتوایی و قالبی، و چگونگی ارتباط این دو مقوله با حوزه فرهنگی - اجتماعی و وسیع‌تر جهان عرب، بسیار مهم و باارزش است و لازم است رابطه بیان این اشکال، این کانال جدید، و البته اعتماد مورد ارزیابی قرار گیرد.

شبکه تمام خبری الجزیره در سال ۱۹۹۶ در شهر دوحه قطر راه‌اندازی شد. پارت* این شبکه از یک ایستگاه برون‌مرزی مستقر در لندن یعنی BBC بخش عربی بوده است. پس از این که بخش عربی BBC بسته شد، کارکنان آن به استخدام شبکه تازه تأسیس و مستقر در دوحه که تحت مالکیت خانواده سلطنتی قطر قرار داشت، در آمدند. رئیس هیأت مدیره این ایستگاه یعنی شیخ تامیر آل ثانی، از اعضای خانواده حاکم قطر است.

این ایستگاه نیز به مانند اغلب ایستگاه‌های جدید ماهواره‌ای عرب، رقیبی برای سایر ایستگاه‌های برون‌مرزی کشورهای عربی تلقی و ادامه‌دهنده همان شیوه سنتی رسانه‌های عربی می‌باشد.^{۱۹} در این مورد باید به رمان مونا سیمپسون تحت‌عنوان *در هر جا بجز اینجا* اشاره کرد که به نوعی مصداق رابطه شبکه الجزیره با کشور قطر و همچنین رابطه تمامی کانال‌های ماهواره‌ای سایر کشورهای عربی با کشورهای متبوع خود می‌باشد. شبکه تلویزیونی MBC (مرکز پخش خاورمیانه) تحت مالکیت عربستان سعودی، برای تمامی کشورها نقش حیاتی و محوری دارد بجز برای کشور عربستان سعودی؛ کانال‌های ماهواره‌ای مصر، برای تمامی کشورها حالت حیاتی دارد بجز برای کشور مصر و غیره.

از آنجا که میزان پخش آگهی‌های بازرگانی شبکه الجزیره پایین بوده و درآمد آن برای ادامه حیات شبکه کافی نیست، این شبکه پس از چهارسال ادامه فعالیت، تحت حمایت مالی دولت قطر قرار گرفت. اما شهرت این شبکه در جهان عرب مستقیماً به پوشش تصویر مربوط است که دربارهٔ عملیات طوفان صحرا در سال ۱۹۹۸، از این شبکه پخش شد.

در وهله اول، عرب‌ها گمان می‌کردند که رسانه‌های خبری‌شان، مانند رادیو «صدای عرب‌ها» نیست که در سال ۱۹۶۷، اقدام به انتشار مسائل غیرموتق و تحریف شده می‌کرده است. ولی از زمانی که الجزیره خود را با پارامترهای خاص سیاسی سازگار و هماهنگ کرده است، اعتمادی که حیات واقعی ایستگاه و مخاطبانش را تضمین می‌کند، به تدریج دستخوش تغییر و فرسایش شده است. از آنجا که در مورد این شبکه و تاریخ آن در منبع دیگری سخن به میان آمده، می‌خواهم به نکاتی اشاره کنم که در بسیاری از پیش‌بینی‌های مربوط به تغییر

سیاست‌های عرب، ناگفته مانده است. بسیاری از ابعاد شبکه الجزیره پس از شبکه کابلی خبری CNN شکل گرفته است. *جنگ‌های تلویزیون Larry Kings* و *Cross Fire* و CNN در الجزیره تحت‌عنوان «گرایش مخالف» نامگذاری شد. این برنامه تنها خاص شبکه الجزیره نیست، بلکه بسیاری از برنامه‌های تلویزیونی کشورهای عربی، شکل یا شکل‌های دیگری از ایستگاه‌های غربی را به همان شیوه یا با اندکی تغییر در عنوان آن، نمونه‌برداری و اقتباس کرده‌اند. *جنگ تلویزیونی «صبح بخیر آمریکا»* شبکه ABC، در تمامی جهان عرب تحت عناوین مختلف از جمله «صبح‌الخیر یا مصر»، «صبح‌الخیر یا کویت» و غیره نامگذاری شده است. دولت پادشاهی عربستان سعودی در این بین با ارائه برنامه‌ای عمده و مهم تحت‌عنوان «صبح امروز با دولت پادشاهی» آزادی عمل بیشتری از خود نسبت به دیگر کشورهای عربی نمایان ساخته است.

به‌هرحال، از نظر محتوا، شبکه الجزیره، مدلی است از ایستگاه رادیویی عبدالناصر (صدای عرب‌ها)،^{۲۰} نسخه عربی جنگ تلویزیونی *Cross Fire* برای تمامی کشورهای عربی حیاتی خواهد بود، بجز برای مالک این کانال یعنی قطر و سوریه (محل تولد مجری این جنگ).

اشتباه گرفتن برنامه‌های تلفنی این شبکه با همتهای آمریکایی‌شان، امر آسانی است ولی برخلاف برنامه‌های زنده و تلفنی آمریکایی، *جنگ زنده الجزیره* با بیشترین امکانات اداره می‌شود. تهیه‌کننده این *جنگ* معمولاً با افرادی که این ایستگاه خواهان مشارکت آنها به عنوان تلفن‌کننده است، ارتباط برقرار می‌کند. از آنجا که این ایستگاه دارای شماره تلفن رایگان (بدون مالیات) نیست، تهیه‌کنندگان معمولاً خود با افرادی که خواهان اظهارنظر می‌باشند

تماس می‌گیرند. به همین علت ارتباط تلفنی کشورهای فقیر، مانند مصر و مراکش با این ایستگاه هزینه زیادی دربرخواهد داشت، و افراد کمی قادرند این هزینه را برای بیان عقایدشان در شبکه بپردازند. بنابراین چون این شبکه به تنهایی به اداره «تلفن‌های مخاطبان» می‌پردازد، قواعد بازی آن‌گونه می‌شود که هر میهمان اجازه (پاسخ) به سه ارتباط تلفنی را دارد. ولی در این کار نیز جنبه نظری بر جنبه عملی غلبه دارد.

اگر بخواهیم جنگ تلویزیونی «گرایش مخالف» عرب را مدنظر قرار دهیم، مسائل این ایستگاه آشکار و روشن می‌شوند. در این جنگ، جبهه‌گیری عمده میان ناسیونالیست‌های عرب و اسلامگرایان علیه عرب‌های غرب‌زده و طرفدار غرب است. دیدگاه این ایستگاه مبین دیدگاه اسلامگرایان و ناسیونالیست‌های عرب است، در حالی که سایر میهمانان، مخصوصاً عرب‌هایی که خواهان صلح با اسرائیل و غرب می‌باشند، معمولاً نماینده «اردوگاه شکست خوردگان» اند. مجری این جنگ نیز آقای فیصل القاسم به صراحت از ناسیونالیسم عربی دفاع می‌کند. در یک جنگ تلویزیونی، این ایستگاه از نماینده حامی برنامه صلح «گروه کپنهاک» عبدالنعم سعید از قاهره، برای مناظره با امین اسکندر مدیر کمیته تلاش علیه عادی‌سازی روابط با اسرائیل، دعوت کرد. مجری تلویزیون به دکتر سعید گفت که با سه تن از حامیان گروه کپنهاک ارتباط تلفنی برقرار شده و از آنها خواسته می‌شود که در مورد دیدگاه‌های برنامه اظهار نظر کنند. به طرف مقابل وی نیز گفته می‌شود که فرصت پاسخ‌گویی دارد، افرادی که به این برنامه زنگ زدند اسلامگرایانی چون فهمی هویدی، بعضی‌هایی، مانند مصطفی بکری و سه ناسیونالیست و اسلامگرای دیگر بودند. از اردوگاه دیگر، تنها یک تلفن وجود داشته

■ میان جوامع عربی و رسانه‌های دولتی، رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد وجود ندارد و هیچ‌گونه تلاشی از سوی این رسانه‌ها برای بازگرداندن اعتماد از دست رفته صورت نمی‌گیرد.

■ شواهد روزمره در زمینه‌های گوناگون حاکی از آن است که جهان عرب پیچیده‌تر از آن است که بتوان در نگاه اول آن را درک کرد.

■ در غرب، یک سند مكتوب معتبرتر از یک منبع شفاهی است. اما در جهان عرب منابع شفاهی معتبرند.

که از مواضع دکتر سعید حمایت می‌کرد. زمانی که سعید به این نابسامانی‌ها و نابرابری‌ها اعتراض کرد، به او گفته شد که هواداران وی در دسترس نبوده‌اند.^{۲۱} این برنامه در ۱۷ اگوست سال ۱۹۹۹ از شبکه الجزیره پخش شد و در واقع فرصتی بود برای روشن شدن دیدگاه‌های اسلامگرایان و بعضی‌ها.

حال می‌خواهم جنگ مذکور را با جنگی که در ۲۶ آوریل سال ۲۰۰۰ پخش شد، مقایسه کنم و ببینم که آیا در ظاهر قضیه تغییری رخ داده است. در این برنامه، که از شهر قاهره پخش می‌شد، فیصل القاسم دوباره از مصطفی بکری حامی دائمی حزب بعث عراق برای مناظره با نبیل فوندا عضو فعال صلح مصر از «اردوگاه شکست خوردگان» دعوت کرد. با وجود حملاتی که از سوی بکری تهیه دیده شده بود، مجری برنامه القاسم نیز بر شدت حملات افزود و به فوندا گفت که «اسرائیل یک غده سرطانی است و باید از صحنه خاورمیانه محو گردد». پس از این گفتار بود که ارتباط تلفنی ریفات سعید احمد، یک اسلامگرای مصری که از مواضع بکری حمایت و نسبت به دیدگاه فوندای وطن فروش اعتراض و آن را تقبیح می‌کرد برقرار شد. برخلاف دوره عبدالنعم سعید، فوندا حتی یک تماس تلفنی در خصوص حمایت از مواضع خود در این زمان نداشته است. این ایستگاه (به‌طور یکجانبه) از افرادی دعوت کرده

بود که به اسرائیل و فرایند صلح اعتراض داشته و آن را رد می‌کردند. پایان این برنامه تلویزیونی هم لحظه بسیار جالبی را در پی داشت، هنگامی که القاسم از بکری خواست که برای خداحافظی و اعلام پایان برنامه با هم وطن خود فوندا دست بدهد، بکری اعلام کرد که من دستان کثیف افرادی را که دستان اسرائیلی‌ها را فشرده‌اند، نمی‌فشارم. البته، در جامعه روزنامه‌نگاری قاهره، معمولاً «الاسبوع» روزنامه بکری را نشریه‌ای می‌دانند که توسط دولت عراق حمایت مالی می‌شود و پوشش خبری آن بیشتر اخبار مربوط به عراق است تا مقوله‌های مصری. همچنین در مصر وی را فردی می‌دانند که فتوای ناسیونالیستی منتشر می‌کند و به مصریان اصرار می‌ورزد تا از افرادی که از فرایند صلح خاورمیانه جانبداری می‌کنند انتقام بگیرند. آخرین فتوایی که او منتشر کرد علیه دکتر سعدالدین ابراهیم، مدیر مرکز توسعه ابن‌خلدون بود. به استثنای اخبار نیم‌ساعته، تجزیه و تحلیل‌های محتوایی که پیرامون شبکه الجزیره صورت گرفته حکایت از آن دارد که این کانال، دیدگاه ائتلاف جدیدی را در خاورمیانه، یعنی میان ناسیونالیست‌های بعضی و اسلامگرایان پدید می‌آورد؛ ائتلافی که دولت‌های عربی به صورت تاکتیکی، سالیان سال است که از آن سود می‌برند. ولی هیچ‌صدایی تا به حال با آنها هم‌آواز نشده است. اکنون الجزیره تنها صدای این

ائتلاف جدید است. یکی از شخصیت‌های معروف الجزیره و عضو گروه اخوان المسلمین یوسف القرادوی است. عضو دیگر گروه اخوان که مجری تلویزیونی الجزیره نیز هست، احمد منصوری است. القاسم، جمیل عضو و برخی از میهمانان آنها نیز چهره ناسیونالیست عربی دارند. در سال ۱۹۹۸، من در شهر دوحه از سازمان شبکه الجزیره دیدن و با برخی از تهیه‌کنندگان آن دیدار و

خارجی از این لحاظ که شرکت انتشاراتی سعودی که تحت مالکیت شاهزاده احمد بن سلمان بن عبدالعزیز است با انتشارات الحیات که تحت مالکیت شاهزاده خالد بن سلطان در لندن است - و آزادی عمل بیشتری نسبت به روزنامه‌های مستقر در سعودی دارد - متفاوت است. اگر آمارهای کشور مصر را که یک سوم عرب‌ها در آنجا زندگی می‌کنند، بررسی کنیم، شگفت‌زده می‌شویم. نرخ سواد در

این بوده است که نظارت محدودکننده سادات بر اطلاعات و عدم دسترسی مردم به اخبار مربوط به رژیم وی، ادامه حیات حکومتی‌اش را بیمه خواهد کرد. ولی در نتیجه، دولت نه تنها استفاده از ماشین چاپ را آزاد کرد، بلکه ماشین فاکس، دستگاه کپی، و سرانجام استفاده از کامپیوتر و اینترنت را نیز مجاز اعلام کرد. با وجود تفاوت‌های اساسی که در حوزه آزادی‌های سیاسی میان سادات و حسنی مبارک وجود دارد، برخی می‌گویند که این تغییرات حاصل اطلاعات فزاینده و اشاعه فن‌آوری به داخل مصر است. (علت این تغییرات را در مسائل دیگری می‌بینند)

در حقیقت، هر مشاهده‌گر حیات سیاسی مصر می‌گوید که وسایل اطلاعاتی، یعنی روزنامه‌های احزاب مخالف، تنها مؤلفه‌های وجودی این احزاب هستند و عموم مصریان، این احزاب را با عنوان روزنامه‌هایشان *الاحزاب الورقیه* می‌شناسند، زیرا عقاید این احزاب و درک آنها از قدرت رسانه‌ها (و زمینه سرمایه‌گذاری بیشتر در حوزه روزنامه به نسبت این‌که برای خود جداگانه یک پایگاه سیاسی را فراهم دیده باشند) با صراحت چاپ می‌شود. اکنون رسانه‌های مدرن نیز تا حدی در جذب خوانندگان بیشتر ناتوانند. به استثناء یکی دو روزنامه، کارمندان و کادر حزبی‌شان، به سختی می‌توان جای پای مؤثر و کاری ۱۳ حزب مخالف مصری در ارائه صحیح اطلاعات - بدون مواضع حزبی - یافت.

جمله معروف مارشال مک لوهان «رسانه همان پیام است» را می‌توان در اینجا به جمله «رسانه همان حزب است» در مورد احزاب مخالف مصری تغییر داد. دلایل چنین ادعایی بسیارند، ولی دلیل خاص ما در اینجا این است که روزنامه‌های گروه‌ها و احزاب مخالف در جلب اعتماد مخاطبان‌شان درمانده‌اند. به‌علاوه برخی مسائل ارتباطی بیانگر آن

■ **عرب‌ها در زمان‌های مختلف دچار اشتباهات بسیاری شده‌اند، بنابراین اکنون آموخته‌اند که چگونه با آرامش خاطر و اعتماد، اطلاعات مطلوب خود را برگزینند.**

■ **در هیچ جای دنیای عرب، توان دسترسی به فن‌آوری‌های نوین، مانند منطقه خلیج فارس نیست. یکی از عمده‌ترین این کشورها که در حیطه فن‌آوری‌های نوین سرمایه‌گذاری عظیمی کرده کشور عربستان سعودی است.**

این کشور ۵۰ درصد است. تعداد خطوط تلفن در سال ۱۹۹۹، شش میلیون بوده است. تعداد کاربران اینترنت ۲۰۰ هزار (البته با توجه به ضریب کاربران یک خط اینترنتی، می‌دانیم که باید این تعداد سه یا چهار برابر شود)، و استفاده از تلفن سلولی، طبق گزارش آمار شرکت‌های عمده توزیع، ۶۰۰ هزار کاربر (که سه برابر این تعداد نیز به تعداد استفاده‌کنندگان اینترنت افزوده می‌شود) می‌باشد. پس می‌توان نتیجه گرفت که نیمی از مصریان در حوزه شفاهی و نیمی دیگر در حوزه مکتوب زندگی می‌کنند.^{۲۲}

در مصر اواخر دهه ۱۹۷۰، بسیاری از فعالان سیاسی با انور سادات (رئیس جمهور مصر در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۱) که فکر می‌کرد اگر دولت مصر دست مردم این کشور را در استفاده از ماشین چاپ و دستگاه کپی باز بگذارد، مخالفان رژیم وی را سرنگون خواهند کرد، مخالفت می‌ورزیدند. شاید فرض بر

ملاقات کردم. در حین گفت‌وگو با این افراد، متوجه چهار اردوگاه ایدئولوژیکی در این شبکه شدم؛ یعنی بعضی‌ها، ناسیونالیست‌های عرب، طرفداران عبدالناصر و اسلام‌گرایان.

بنابراین، تا چه حد شبکه الجزیره با سایر شبکه‌های ماهواره‌ای از جمله MBC یا ESC مصر یا کانال‌های سودانی تفاوت دارد؟ این شبکه با پوشش رویدادهای عراق در خلال عملیات طوفان صحرا، توانست اعتماد مخاطبان را جلب کند. اعتماد و اعتباری که دیگر شبکه‌ها به دست نیاورده بودند.

این تفاوت همان‌گونه است که ما میان روزنامه مستقر در لندن *الحیات و الاحرام* مصر، یا میان *الشرق الاوسط و الرياض*، که هر دو مالکیت سعودی دارند ولی اولی در لندن استقرار دارد، تفاوت قائل می‌شویم. یا می‌تواند این‌گونه بیان شود که بین دولت لیبرال عربی «خارجی» و همتای محلی محافظه‌کار آن فرق بگذاریم.

است که «زبان روزنامه‌ها با زبان مردم جامعه، دارای تفاوت ماهوی است.»

تفاوت اساسی میان روزنامه‌های حزبی با جامعه وسیع تر، نبود اعتماد است و این حقیقت که زبان مخالفان جدید مصری در حیطه نوشتاری عربی استاندارد قرار دارد، در حالی که مخاطبان آنها در حوزه‌های دیگر یعنی بی‌سوادی، شفاهی و زبان‌های محلی و بومی قرار دارند. در جهان عرب، ارتباطات در وهله اول از طریق نهادهای غیررسمی، از جمله روابط میان فردی، مساجد، بازار و غیره صورت می‌گیرد. و این نهادها آن چیزی است که گیدنز از آنها به عنوان «نهادهای چهره‌کار» یاد می‌کند، نهادهایی که صحت پیام، گوینده پیام، و ارزش اعتباری آن را مورد تأیید قرار می‌دهد.

مشکل عمده ارتباطات سیاسی در مصر - و تا حد زیادی در تمامی جوامع عربی - این است که اعتماد به نهادهای دولتی مدرن و سیستم کارشناسی، بسیار کم است و این بدین معنا نیست که آنها (عرب‌ها) در جهان ماقبل مدرن زندگی می‌کنند. عرب‌ها در مواردی بر پیشرفته‌های مدرن و امروزی تکیه دارند و بر فاصله‌های مکانی و زمانی غلبه کرده‌اند. آنها ترجیح می‌دهند که تمامی پول خود را تبدیل به دلار آمریکایی کنند تا این که وابسته به پول ملی خود باشند، زیرا از ارزش دلار آگاهند. حتی اسلامگرایان رادیکال نیز با وجود شعارهای ضدآمریکایی خود، اسکناس‌های خود را تبدیل به دلار می‌کنند. به عنوان مثال عرب‌ها معتقدند که خودروهای ژاپنی خراب نخواهند شد. البته منظور من این نیست که اعراب به رسانه‌ها به‌خاطر (وارداتی بودن) خارجی بودن آنها اعتماد ندارند، بلکه معتقدم که آنها نیز مانند هر انسانی در انتخاب و اعتماد کردن به کسی یا چیزی آزادند.

بررسی‌هایی که پیرامون تلویزیون مصر صورت گرفته است، نشان می‌دهد روستاییان بیشتر برنامه‌های تفریحی و سرگرمی را می‌پذیرند و تعداد اندکی از آنها به تماشای برنامه‌های خبری و مسائل عمومی می‌پردازند، و این تعداد کم نیز ترجیح می‌دهند تا از رسانه‌های خارجی، مانند BBC، رادیو مونت کارلو، و صدای آمریکا استفاده کنند. □

*** منبع:** Middle East Journal
* مأمون فاندی، استاد دانشگاه و محقق مرکز مطالعات معاصر جهان عرب دانشگاه جرج تاون ایالات متحده امریکاست. در ارائه این مقاله وی از دو تن از استادان دانشگاه‌های آمریکا، والتر آرمبراست و طارق یوسف تجلیل به عمل می‌آورد.

پی‌نویس‌ها:

۱. بعضی از تازه‌ترین مقاله‌هایی که در مورد رسانه‌های نوین جهان عرب و مسلمان نگاشته شده است عبارتند از رسانه‌های نوین: سیاست‌های جدید؟ نوشته ژان بی‌آلترمن (واشنگتن دی سی: مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک، ۱۹۹۸)، «انقلاب اطلاعاتی خاورمیانه»، تاریخ جاری، ژانویه ۲۰۰۰، صص ۲۱ تا ۲۶؛ رسانه‌های نوین جهان مسلمان، دال اف ایکلمن و جان دلبلیو اندرسون: ظهور سپهر اجتماعی (بلو مینگتون، انتشارات دانشگاه ایندیانا، ۱۹۹۹).
۲. جیمز آر بینگر، انقلاب کنترل (کمبریج، ام ای: انتشارات دانشگاه هاروارد، ۱۹۸۶).
۳. روبرت دلبلیو فوگل، راه‌آهن‌ها و رشد اقتصادی امریکا (بالتی‌مور): انتشارات جانس هاپکینز، ۱۹۶۴، صص ۲۳۵.
۴. دانیل سی لیتچا پس از حالت تبلیغات: رسانه‌ها، سیاست‌ها و «کار فکری» در چین رقم شده (استانفورد، سی ای: انتشارات دانشگاه استانفورد، ۱۹۹۹)، صص ۲۲.
۵. نمونه‌هایی از اینها را می‌توان به دال اف ایکلمن و جان اندرسون، رسانه‌های نوین در جهان مسلمانان نام برد.
۶. رجوع شود به مارشال مک لوهان و کوانتین فیوره، رسانه همان پیام است. (نیویورک، سیمون و شوستر، ۱۹۶۷).
۷. مباحثی که رسانه‌ها و تغییر سیاسی را با هدیگر مرتبط می‌دانند برمی‌گردد به سال‌های دهه ۱۹۵۰، با اثر دانیل لرنر. این مهم در دهه ۱۹۶۰ نیز با کار ساموئل هانتینگتون ادامه یافت. برای این مبحث، به دانیل لرنر «گذر از جامعه سنتی» (گلنگو، آی ال: انتشارات فیری ۱۹۵۸)، و ساموئل هانتینگتون، «موج سوم»: دمکراتیزه

کردن در اواخر قرن بیستم (نورمن، آکلا: انتشارات دانشگاه آکلاهما) مراجعه کنید.

۸. مباحث من در اینجا برگرفته از اطلاعاتی است که توسط دیوید هاروی، در «شرایط پست مدرنیته» (کمبریج، ام ای: بلاکول، ۱۹۸۹) و اثر آنتونی گیدنز، «پسامدهای مدرنیته» (استانفورد، سی ای: انتشارات دانشگاه استانفورد، ۱۹۹۰) ارائه شده است.

۹. گیدنز، پیامدهای مدرنیته.

۱۰. همان منبع.

۱۱. برای اطلاع بیشتر، به برینکلی سیک، اوضاع خوشنویسی (برکلی: انتشارات دانشگاه کالیفرنیا، ۱۹۹۳) صص ۲۴-۲۶ مراجعه کنید.

۱۲. ویلیام ای راف، انتشارات عرب (سیراکیوس، ان وای: چاپ دانشگاه سیراکیوس ۱۹۸۹).

۱۳. داگلاس ای بوید، پخش در جهان عرب (آیس، آی ای: انتشارات دانشگاه ایالتی اوایوا، ۱۹۹۹).

۱۴. گری ای بوخارت و سیمورگودمن «مقبولیت اینترنت در خلیج فارس» ابلاغیه ACM، مارس ۱۹۹۸، جلد چهارم، ش ۱، صص ۱۹-۲۴.

۱۵. برای اطلاع بیشتر، به مأمون فاندی، عربستان سعودی و سیاست‌های منطقه صحرا (نیویورک: انتشارات مارتین، ۱۹۹۹) صص ۱۳۷ مراجعه کنید.

۱۶. آدرس سایت اینترنتی www.Cdlr.net می‌باشد. توجه داشته باشید واژه‌هایی که به عنوان «Legitimate Rights» در انگلیسی ترجمه شده، عربی آن «الحقوق الشریعه» می‌باشد، یعنی «Legitimate» تحت شریعه اسلامی. برای اطلاع بیشتر از Cdlr و رهبر آن محمد المسعری، به فاندی، عربستان سعودی، فصل چهارم مراجعه کنید.

۱۷. آدرس سایت اینترنتی www.miraserve.com می‌باشد. برای اطلاع از شکاف به وجود آمده، به فاندی، عربستان سعودی صص ۱۴۰-۱۴۳ و به‌طور کلی در مورد سعدالفقیه و MIRA گفتار پنجم (این مجله) مراجعه کنید.

۱۸. فاندی، صص ۱۳۷.

۱۹. برای اطلاع بیشتر در مورد الجزیره، به داگلاس ای بوید، پخش در جهان عرب، صص ۱۸۷-۱۸۸ و همچنین جان بی‌آلترمن، رسانه‌های نوین: سیاست‌های جدید؟ (واشنگتن دی سی: مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک، ۱۹۹۸) صص ۲۲-۲۴ مراجعه کنید.

۲۰. برای اطلاع بیشتر در مورد «صدای عرب‌ها» به احمد شلابی، تاریخ پخش مصر (قاهره، مصر: الحیاء المصریه الامالی الکتاب ۱۹۹۵) مراجعه کنید.

۲۱. مصاحبه با عبدالمنعم سعید، واشنگتن دی سی، ۲۱ مارس سال ۲۰۰۰.

۲۲. اسامی که در اینجا از آنها نام برده شده، برگرفته از مصاحبه‌ای است که در سال ۱۹۹۹ با مدیر اجرایی مخابرات کشور مصر صورت گرفته است.